رهبران

مقام رهبری کار خدائی است نه سر جنبانی و فرمانروائی است

اگر از داد و دین خدمتگزار است چنین رهبر عطای کردگار است

در آن هر طفل در آغوش هر مام بود چون طفل رهبر راحت و رام

نه در رخت طلا فرزند رهبر دگر فرزندها نالان و مضطر

یکی غرق هزاران ناز و نعمت هزاران غرقه در گرداب محنت

به کاخ زرنگین والا گهرها هزاران بی نوا خونین جگرها

به هر کشور که چونین رهبرانند مگو رهبر که ذلّت پرورانند

هر آن بیدار جان و مهربان تر ز رهبرهای عالم اوست سر تر

اگر رهبر عطوف و مهربان نیست دل اندر قید حال این و آن نیست

اگر در کاخ غرق عیش و نوش است خود او گندم نما و جو فروش است

چنان دیوی است در سیمای انسان چنان گرگی است در شوالای چوپان

اگر بی یاد حق یک شب سر آرد دمار از جان مظلومان در آرد

هر آن رهبر که از ره منحرف گشت ز راه حق و وجدان منصرف گشت

فرود آید به سر از اوج عزت فتد در ورطه ادبار و ذلت